

در حاشیه سمینارهای تغذیه :

## \* آیاراه حلی برای مشکل مواد غذایی در کشورهای عربی پیدا شده است؟

مترجم : شریف مطوف

بحث در مورد افزایش وابستگی اعراب به مواد غذایی وارداتی هنوز موضوع روز است. با وجود زمینهای کشاورزی حاصلخیز وسیع در کشورهای عربی و نیز سرمایه و نیروی انسانی لازم، تاکنون حکومتهای عرب نه فقط نتوانسته اند مشکل مواد غذایی را حل کنند، بلکه می توان گفت این مشکل روز به روز حادثتر می شود. زیرا همزمان با کاهش وابستگی غرب به نفت اعراب، وابستگی اعراب به مواد غذایی وارداتی از غرب افزایش یافته است. علاوه بر این، با وجود کاهش اخیر قیمت نفت و نیز کاهش میزان تولید و فروش نفت، قیمت مواد غذایی، افزایش روزافزونی را نشان می دهد. حجم تقاضاهای مواد غذایی توسط اعراب نیز مرتباً در حال افزایش است.

در ماه ژوئیه گذشته (= سال ۱۹۸۴ - م) نخستین سمینار مشترک متخصصان کشورهای عربی در مسائل مربوط به تولید مواد غذایی برگزار شد. در این سمینار نمایندگانی از بیشتر مؤسسه ها و هیئتهای غیردولتی عرب شرکت کردند. در این کنفرانس، بر نقش بخش خصوصی در ایجاد "امنیت غذایی" - به گفته عبدالعزیز دخیل، میزبان سمینار - براساس روشهای علمی و تجاری تأکید شده است. در این سمینار ۲۵۰ نفر شرکت کننده به نمایندگی از ۱۰ کشور عرب که در امور مربوط به تغذیه تخصص دارند، شرکت کردند.

بدون شک، حضور این تعداد از مسئولان امور تغذیه و مطرح کردن ۲۲ طرح پیشنهادی، دلیلی بر اهمیت موضوع سمینار است. بخصوص بحثهای مربوط به "امنیت غذایی اعراب" به دلیل ضعف زمینها و منابع تولید کشاورزی در این کشورها، بیش از پیش اهمیت خود را نشان داده است. در کشورهای عرب، به سبب افزایش تقاضا برای مواد غذایی، کمبود این مواد روز به روز نمایانتر می گردد. بنابراین، ملاحظه

\* هل وضعت الحلول لمشكلة الغذاء في الدول العربية". العالم، شماره ۳۰ (۱۳ ذوالحجه ۱۴۰۴)، ص ۳۴۰۳۳.

می‌نمود ۲۲ طرح ارائه شده به سیار آنها یک روز قبل از برگزاری آن سمینار توسط یک کمیسیون فنی آماده شده بود. طرحهای یاد شده به منظور پیشرفت اعراب و پاسخگویی به نیازهای غذایی آنان، موسوم به "طرح امنیت غذایی" تنظیم شده است. به قرار اطلاع، کمیسیون یاد شده به محمد عمادی رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل صندوق عربی توسعه اقتصادی و اجتماعی تأکید کرد که در طرحهای بیست و هفتگانه یاد شده باید بیش از یک کشور عرب سهمی باشند. همچنین این طرحها باید نیازهای قومی را برآورد و روابط اقتصادی میان کشورهای عرب را مستحکم سازد. علاوه بر این، باید مسائل مربوط به توزیع منطقه‌ای کالا بر اساس اصل موسوم به "ویژگی نسبی" و اولویت دادن به کالاهای اساسی در نظر گرفته شود.

### ■ مشکلات موجود

آقای دخیل، مشکلات مربوط به اقدامات موسوم به "امنیت غذایی عربی" را به‌طور خلاصه در چند مورد زیر یادآور گردید: برای افزایش میزان وابستگی به محصولات کشاورزی خارجی - در دو بعد کشوری و قومی (منظور قومیت عرب است - م) - باید به‌طور جدی چاره‌ای اندیشید. بنابراین باید از شدیدتر شدن این وابستگی جلوگیری کرد. در این زمینه، مشاهده می‌شود که مصرف تولیدات کشاورزی خارجی در کشورهای عرب، به دلیل افزایش سریع جمعیت و بهبود قدرت خرید آنان می‌باشد. این دو عامل منجر به افزایش حجم تقاضا و کوناکونی کالاهای مصرفی و مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها. و بالاخره کاهش حجم تولیدات کشاورزی در نتیجه این عوامل شده است. آقای دخیل در این مورد اضافه می‌کند که کاهش سطح سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی همزمان با تخصیص بودجه‌های کلان به منظور وارد کردن مواد غذایی از خارج (به‌جای سرمایه‌گذاری در امور مربوط به بالا بردن میزان تولیدات مواد غذایی) بوده است.

### ■ دلایل بحران

بدون تک، مشکلات و پدیده‌هایی که آقای دخیل به آنها اشاره کرده، نسبتاً "معقول" است و نمی‌توان از آنها ناخشنود بود. امروزه تمام کشورهای عرب و اسلامی کمابیش با این مشکلات دست به گریبان می‌باشند. اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که چگونه می‌توان این مشکلات را حل کرد؟ در این مورد، سمینار یاد شده به راه‌حلهای ممکن نپرداخته است. بلکه فقط بدانها اشاره‌ای کوتاه کرده و سریعاً از کنار آنها گذشته است. علت اصلی این بحرانهای اقتصادی، در نظر نگرفتن مجموعه‌ای از معیارها و مشخصه‌هایی است که هر طرح جدی را با مشکلات سختی مواجه می‌سازد و آن به دلیل موانع بسیاری است که در کشورهای عرب وجود دارد. این معیارها را که متأسفانه به‌دهن ۱۵ نفر شرکت‌کننده در آن سمینار خطور نکرده است، می‌توان در ۳ گروه زیر خلاصه نمود:

نخست: مفهوم اقتصادکنونی در سایه حاکمیت اختکارهای بین‌المللی کالا و تعیین قیمت آن در

چارچوب نظام بین‌المللی سلطه‌گرانه کنونی، امروزه، دیگر تنها شامل فروش و واردات آزاد نمی‌باشد، بلکه اقتصاد، به معنی یک سیاست شامل و روبه‌کمال است که از آن "اقتصاد سیاسی" و "اقتصاد اجتماعی" منشعب می‌گردد. بنابراین، باید به وضع اقتصادی کل جهان اسلام و سپس به اوضاع اقتصادی کشورهای عرب نظری بیفکنیم تا با بررسی کل اوضاع به مجهولات جزء بی‌بیریم نه اینکه عکس آن عمل شود، همان‌گونه که اکنون اتفاق می‌افتد. زیرا تجزیه مسائل و پرداختن به آنها در ابعاد کوچک (= کشور به کشور) مهم‌ترین دلیلی است که این‌گونه طرحها را - به‌رغم وجود بودجه‌های زیاد - با شکست مواجه می‌سازد.

دوم: دومین عامل، وابستگی اقتصادی کشورهای عرب به کشورهای صنعتی، به دلیل سیاست تسلیم‌طلبانه حکام عرب و تکیه نکردن بر مردم خود می‌باشد. بدین روی، ناهماهنگی چشمگیری بین تکنولوژی وارداتی و اوضاع موجود کشورهای عرب بروز کرده است. تکنولوژی وارداتی با سطح علمی و فرهنگی اعراب هیچ‌گونه تناسبی نداشته و منجر به گسترش سرمایه‌گذاری خارجی و رشد شرکتهای خارجی یا شرکتهایی با سرمایه‌های خارجی و داخلی گردید که فعالیت این شرکتهای در چارچوب سیاست وابستگی است. تا دهه ۱۹۵۰، تولیدات کشاورزی داخلی درصد بالایی از نیاز کشورهای اسلامی را تأمین می‌کرد. امروزه تولیدات کشاورزی داخلی این کشورها، فقط درصد ناچیزی از نیازهای داخلی را برآورده می‌سازد. دلیل آن، تکیه کردن بر تولید نفت به شکل وسیع و گسترده می‌باشد. به دلیل تکیه کردن بر تولید نفت، کل نظام کشاورزی سنتی در کشورهای اسلامی ویران گردید. این امر در حدی بود که از اوایل دهه ۱۹۸۰ تاکنون، بیشتر کشورهای اسلامی، تقریباً "تمام مواد غذایی مورد نیاز داخلی را از خارج وارد می‌کنند. بدیهی است که حجم گسترده واردات مواد غذایی ضروری، به ایجاد نوعی وابستگی شدید سیاسی و اقتصادی به کشورهای صادرکننده منجر شود.

برای مثال، تا سالهای اخیر، کشور پاکستان، از نظر تولید گندم و گوشت قرمز، خودکفا بوده و علاوه بر برنج، انواع دیگر حبوبات و غلات را نیز صادر می‌کرد. امروزه این کشور، فقط برنج صادر می‌کند، اما دیگر مواد غذایی، از خارج وارد می‌شود. عراق نیز که تا چند سال اخیر، گندم، جو و انواع غلات را صادر می‌کرد، امروزه، تمام انواع مواد غذایی، حتی سبزیجات و گوشت گوسفند را از خارج وارد می‌کند. کشورهای یمن، سومالی، سوریه و مصر نیز وضع مشابهی دارند. برای مثال، کشور مصر، تا چند سال اخیر، باقلا - که مهم‌ترین ماده غذایی مردم آن کشور را تشکیل می‌داد - صادر می‌کرده و از نظر تولید غلات خودکفا بوده است، امروزه در دوره "شکوفایی اقتصادی" بیشتر نیازهای کشور از مواد غذایی را از خارج وارد می‌کند که مقداری باقلا نیز جزء واردات می‌باشد. ناگفته نماند منظور از "شکوفایی اقتصادی"، افزایش مصرف کالاهای غربی در این‌گونه کشورهاست.

دیگر کشورهای عرب نیز، اوضاع مشابهی دارند. به همین سبب کل واردات کشورهای عرب از مواد غذایی خارجی در سال ۱۹۸۱ به بیش از ۲۱ هزار میلیارد دلار رسید. این آمار توسط صندوق عربی توسعه منتشر شد که ما را وادار می‌سازد کمی در مورد آن تأمل کنیم.

سوم: سومین معیار یا شاخص مربوط به تجزیه کشورهای مسلمان و عرب توسط استعمارگران غرب می شود. بر اثر این عامل، اختلافات سیاسی بین کشورهای غرب باعث از بین بردن هرگونه امکان و امید توسعه و بهبود اوضاع اقتصادی این کشورها گردید. به همین علت، طرحهای مشترک توسعه اقتصادی میان آن کشورها به مرحله اجرا نمی رسد. از جمله این طرحها، از طرحهای توسعه کشاورزی و دامداری مشترک مصر و سودان، و نیز دو یس (شمالی و جنوبی - م) و موارد مشابه آنها می توان نام برد.

### ■ گندم آمریکایی و وابستگی

بدیهی است، هر طرح و برنامه ای که در مورد "امنیت غذایی" ارائه می گردد باید در عمل به واقعیت بپیوندد و حداقل شرایط استقلال را فراهم سازد، بویژه در مورد مواد غذایی اساسی مانند نان. امروزه، تمام کشورهای عرب، گندم آمریکایی را وارد می کنند و وابستگی این کشورها به گندم آمریکایی تا بدین حد است که گندم، وسیله اعمال فشار آمریکا بر این کشورها گشته و هیچ کشوری از این کشورها توان مخالفت با سیاستهای آمریکا را ندارد. امروزه گندم آمریکایی شمشیری است که توسط آن، سیاست سلطه گرانه آمریکا اعمال می شود.

در این مورد باید در نظر داشت که هر طرح جدی، چه دولتی و چه از طرف بخش خصوصی، قبل از هر چیز باید چگونگی رهایی از این وابستگی را در بر داشته باشد که بدون آن "امنیت غذایی" اعراب به "امنیت آمریکا" وابسته می ماند.

اما به طور کلی، می توان گفت که تفاوت و اختلاف نظرهای زیادی در سمینار "امنیت غذایی اعراب" دیده شده است که - به رغم حساسیت موضوع - به آسانی از کنار آنها گذشتند، به دلیل اینکه هیچ مشکل واقعی مورد بحث قرار داده نشده است تا بتوان برای آن، طرح و راه حل مناسب را ارائه نمود. مثلاً هیچ یک از شرکت کنندگان در سمینار یاد شده، در مورد ضرورت اجرای مطالعات گسترده و جدی به منظور توسعه تولید گندم در هر کدام از کشورهای عربی برای رسیدن به خودکفایی، طرحی را ارائه نکرد. همین طور هیچ گونه طرح و پیشنهادی جهت مطالعه اوضاع دامداری یا آبیاری در هیچ کشوری ارائه نشده است.

به طور خلاصه می توان گفت که کلیه طرحهای ارائه شده به سمینار مزبور جزئی و کوچک و هدف از آنها کسب سود بیشتر بر حساب منافع جامعه بوده است. و بالاخره باید اذعان نمود که گفتگو در مورد توسعه اقتصادی در سمینار مزبور از مرز تعارفات دوستانه - که هیچ گرسنه ای را سیر نمی کند و هیچ وابسته ای را مستقل نمی سازد - تجاوز نکرده است.

مسئله دیگری که در سمینار یاد شده جلب توجه می کرد، عبارت بود از اینکه رئیس هیئت مدیره صندوق عربی توسعه - یکی از میزبانان سمینار - پیشنهاد کرد تا سقف اعتبارات تخصیص یافته به هر کدام از طرحهایی که قرار است اجرا شود کمتر از ۱۰ میلیون دلار و بیشتر از ۵۰۰ میلیون دلار نباشد.

در مورد هدف از تحدید دوسقف حداقل و حداکثر، توضیحی داده نشده است. آیا اگر طرحی با اعتباری کمتر از ده میلیون دلار در کشورهایمانند سومالی، سودان و موریتانی، اجرا شود - مانند طرحهای آبیاری که خدماتهای زیادی به میلیونها کشاورز و دیگر مردم آن کشور می کند - بازده اقتصادی ندارد.

بهمین دلیل ملاحظه می شود، ارائه پیشنهاد یاد شده که فاقد تفسیر و دلیل منطقی لازم است. و نیز تصویب تمام ۲۷ پیشنهاد اراعه شده در یک روز. شهبومی ندارد چرا اینکه شرکت کنندگان در سمینار به "امنیت غذایی خویش" بیش از هر چیز دیگر اهمیت دادند و واقعیتهای تلخ راه عمده یا به سهوبه فراموشی سپردند.



منتشر شد

فصلنامه

**پرنامه و تنگنه**

شماره اول، دوره اول، زمستان ۱۳۶۳